

بررسی تفسیر گالستون درباره فلسفه سیاسی فارابی

محسن رضوانی*

چکیده

مقاله حاضر به بررسی تفسیر میریام گالستون درباره فلسفه سیاسی فارابی می‌پردازد. گالستون با مقایسه مباحث چهار اثر اصلی فارابی (مدینه فاضله، سیاست مدنی، تحصیل السعاده و فصول منتزعه) تلاش می‌کند به فهم تازه‌ای درباره فلسفه سیاسی فارابی دست یابد. نکته بدیع و متمایز تفسیر گالستون، توجه به مبانی ارسطویی فلسفه سیاسی فارابی است. اما غفلت از تمایز فلسفه افلاطونی و ارسطویی و همچنین تأثیر پذیری فلسفه سیاسی فارابی از آموزه‌های اسلامی، موجب شده نه تنها گالستون در اثبات مدعای خویش توفیق نداشته باشد، بلکه در نهایت رهیافت مشهور مفسران فلسفه سیاسی اسلامی را تصدیق کند که فلسفه سیاسی فارابی، متأثر از فلسفه افلاطونی است. این مقاله با رویکرد تحلیلی و اسنادی به این موضوع می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: فلسفه سیاسی، فلسفه افلاطونی، فلسفه ارسطویی، فلسفه سیاسی اسلامی، فلسفه سیاسی فارابی، میریام گالستون.

مقدمه

میریام گالستون،^(۱) یکی از شاگردان برجسته محسن مهدی^(۲) است که مباحثی تخصصی در زمینه فلسفه سیاسی اسلامی و به ویژه فلسفه سیاسی فارابی منتشر کرده است. وی پس از اخذ مدرک کارشناسی از دانشگاه کرنل،^(۳) دانشنامه دکتری علوم سیاسی را از دانشگاه شیکاگو و دانشنامه دکتری حقوق را از دانشگاه ییل^(۴) دریافت کرد. گالستون از سال ۱۹۹۰ عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه جرج واشنگتن است و از این رو، عمده فعالیت فعلی وی در زمینه موضوعات حقوقی است که حاصل آن، گردآوری مقالات و تحقیقاتی درباره نظریه حقوقی، تاریخ اندیشه‌های حقوقی و مسائل سیاست‌گذاری عمومی است. اما پیش از این، در دانشگاه شیکاگو در زمینه فلسفه اسلامی تخصص گرفت و به معلمی و نگارش درباره فلسفه یونان، فلسفه اسلامی و یهودی، و به ویژه فلسفه سیاسی فارابی پرداخت. مهم‌ترین اثر گالستون در این زمینه، کتاب **سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی** است که در سال ۱۹۹۰ منتشر شد.^(۵) پیش از این، مقاله «بررسی مجدد نوافلاطون‌گرایی فارابی»^(۶) را در سال ۱۹۷۷ منتشر کرد که ویرایش آن در کتاب مذکور نیز آمده است. وی همچنین مقاله «واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در فلسفه سیاسی ابن‌سینا» را در سال ۱۹۷۹ منتشر کرد.^(۷) خانم گالستون در دومین جشنواره بین‌المللی فارابی به خاطر نگارش کتاب **سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی** به تهران آمد و جایزه ویژه جشنواره را دریافت کرد. شایان ذکر است، کتاب مذکور نخستین بار در سال ۱۳۸۴ توسط نگارنده مقاله حاضر در وبلاگ فلسفه سیاسی معرفی گردید^(۸) و متن کامل آن در جشنواره به عنوان معرفی اثر قرائت و سپس در سایت رسمی جشنواره منتشر شد.^(۹) این کتاب در سال

۱۳۸۶ به زبان فارسی ترجمه و منتشر گردید.^(۱۰) مقاله حاضر، نخستین مقاله به زبان فارسی است که به بررسی محورهای مهم تفسیر میریام گالستون درباره فلسفه سیاسی فارابی می‌پردازد.

منبع‌شناسی

همان‌گونه که بیان شد، کتاب **سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی** مهم‌ترین منبع تخصصی میریام گالستون است که در واقع، رساله دکتری وی در دانشگاه شیکاگو می‌باشد. این کتاب با راهنمایی محسن مهدی نگاشته شد. نویسنده در ابتدای آن یادآور می‌شود که نوشتجات محسن مهدی انگیزه بسیار مهمی بود که وی را به سمت نگارش این کتاب سوق داد. همچنین گالستون با تقدیم کتاب خویش به رالف لرنر،^(۱۱) از آلن بلوم^(۱۲) به عنوان اولین کسی که فارابی را به او معرفی کرد و به او یاد داد تا به فلسفه سیاسی عشق بورزد تشکر می‌کند.^(۱۳) از جمله ویژگی‌های برجسته کتاب مذکور می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: استفاده مستقیم از منابع عربی و نه ترجمه، بهره‌مندی از استاد راهنمای کاملاً مسلط و شناخته‌شده، نقد و بررسی دیدگاه مهم‌ترین اندیشمندان غربی درباره فلسفه سیاسی فارابی، پرداختن به موضوعات و مسائلی که تاکنون مغفول مانده و یا کمتر به آن توجه شده و پرداختن به آثار سیاسی فارابی و مقایسه آنها. از آن رو، که گالستون از پیروان «مکتب اشتراوس» است، رهیافت لئو اشتراوس^(۱۴) تأثیر بسزایی در نگارش کتاب مذکور داشته است. تأکید و عمل گالستون بر اساس متون اصلی و نه ترجمه‌ای، پرداختن به موضوعات تازه، توجه به متن و اهمیت دادن به واژگان و عبارات آن، همگی بر اساس نظریه «پنهان‌نگاری»^(۱۵) اشتراوس شکل گرفته است. در

فارابی و با پیروی از نظریه «پنهان‌نگاری» اشتراوس نتیجه می‌گیرد که اختلافات میان آثار سیاسی فارابی ناشی از یک طرح فلسفی دقیق و منتخب است و از عوامل اتفاقی مانند بسط اندیشه فارابی، عدم توفیق در طراحی نظامی منسجم و یا بی‌دقتی نشئت نمی‌گیرد. فارابی معلمی است که همانند سقراط تمایل داشت دانشجوی فلسفه ذهن خود را پرورش دهد، به تنهایی مسائل فلسفی را حل، و حقیقت را با تلاش خویش کشف کند.^(۲۲)

اما نکته مهم و متمایز رهیافت گالستون آن است که وی میانی فلسفه سیاسی فارابی را ارسطویی می‌انگارد؛ رهیافتی که می‌توان حتی در ابتدای فصول کتاب وی هم مشاهده کرد. گالستون در ابتدای هر فصل از کتاب خویش عبارتی از ارسطو نقل می‌کند که بیانگر شمای کلی آن فصل است؛ در فصل اول، عبارتی از کتاب *مناظرات*؛^(۲۳) در فصل دوم و سوم، عبارتی از کتاب *اخلاق نیکوماخوس*؛^(۲۴) در فصل چهارم، عبارتی از کتاب *سیاست*؛^(۲۵) و در فصل پنجم نیز عبارتی از کتاب *اخلاق نیکوماخوس*؛^(۲۶) برای گالستون، رهیافت ارسطویی با توجه به گسترش نوشته‌های فارابی و با توجه به این امر که در زبان انگلیسی هنوز تحلیل عمیقی از رساله‌های سیاسی فارابی صورت نگرفته، ضروری به نظر می‌رسد.^(۲۷) به نظر گالستون، عمده مفسران فلسفه سیاسی اسلامی، فلسفه سیاسی فارابی را افلاطونی و متأثر از همپرسه *جمهوری افلاطون* می‌دانند و کمتر مفسری است که در پرداختن به فلسفه سیاسی فارابی به بن‌مایه‌های ارسطویی آن توجه داشته باشد.^(۲۸) با این حال، استدلال گالستون چندان گویای تأیید مقصود وی نیست، بلکه برخلاف ادعای اولیه، در نهایت همانند مشهور مفسران، بیشتر بر جنبه‌های افلاطونی آموزه سیاسی فارابی تأکید دارد.^(۲۹) به هر روی، گالستون کتاب

عین حال، خود او نیز دارای نظرات مستقلی در باب فلسفه سیاسی فارابی است که می‌توان آن را در کتاب مذکور جست‌وجو کرد.

فلسفه سیاسی فارابی

در غرب، اهمیت تخصصی به فلسفه سیاسی اسلامی و به ویژه فلسفه سیاسی فارابی از لئو اشتراوس آغاز شد و توسط شاگردان وی، به ویژه محسن مهدی، بسط و عمق یافت. اشتراوس و مهدی تلاش کردند تا با تفسیر آثاری معین، برخی از مشکلات فهم این فلسفه را هم در روش و هم در موضوع حل کنند. با این حال، به دلیل ویژگی پنهان‌نگارانه آثار فلسفه سیاسی اسلامی، این‌گونه از آثار همواره نیازمند پژوهش‌های جدید برای کشف افق‌های تازه هستند. به ویژه این مسئله در خصوص فلسفه سیاسی فارابی و فهم آثار وی جدی‌تر است. یکی از مشکلات فهم فلسفه سیاسی فارابی آن است که تصویر دقیق و درستی از نظم زمانی نگارش آثار فارابی وجود ندارد تا بتوان بسط آموزه‌های مندرج در آن را تبیین کرد. بنابراین، آنچه تاکنون بیان شده، مبتنی بر حدس و گمان است و به آسانی نمی‌توان با مطالعه یک یا چند اثر شناخته‌شده، فلسفه سیاسی فارابی را کشف کرد.

میرام گالستون با مقایسه مباحث چهار اثر اصلی فارابی، یعنی *مدینه فاضله*،^(۱۶) *سیاست مدینه*،^(۱۷) *تحصیل السعاده*،^(۱۸) و *فصول منتزعه*،^(۱۹) تلاش می‌کند به ابعاد تازه‌ای در تفسیر فلسفه سیاسی فارابی دست یابد. البته وی به رساله *التنبیه علی سبیل السعاده*،^(۲۰) فارابی هم اشاره می‌کند، اما آن را بیشتر یک رساله منطقی در نظر می‌گیرد تا رساله اخلاقی سیاسی؛ از این رو، در مطالعه خویش از این رساله چندان بهره نمی‌برد.^(۲۱) گالستون با مطالعه پژوهش‌های نیم‌قرن اخیر درباره فلسفه سیاسی

مذکور را بدین منظور و برای پرکردن این شکاف می‌نویسد و سه مسئله مهم ماهیت سعادت، ماهیت فضیلت حاکم و ماهیت مدینه فاضله را در فلسفه سیاسی فارابی مورد بررسی قرار می‌دهد.

ماهیت سعادت

هرچند روشن است که در فلسفه سیاسی فارابی، «سعادت» هدف حکمت عملی است، اما به نظر گالستون، سه نوع تفسیر متفاوت درباره ماهیت سعادت از سوی مفسران فلسفه سیاسی فارابی مطرح شده است: الف. سعادت صرفاً فعالیت سیاسی است؛ ب. سعادت صرفاً فعالیت سیاسی است؛ ج. سعادت هم فعالیت نظری و هم فعالیت سیاسی است.^(۳۰) به نظر وی، اکثر مفسران فلسفه سیاسی معتقدند که سعادت فعالیت نظری است و از این رو، فعالیت عملی تا حدی ضروری است که فعالیت فلسفی را ممکن سازد و حتی برخی از آثار فارابی هم موبد این دیدگاه است. اما برخی دیگر از آثار فارابی نشان می‌دهد که کمال انسان تنها با مشارکت در زندگی سیاسی مدینه به دست می‌آید و بر این اساس، سعادت فعالیت سیاسی خواهد بود.^(۳۱) اما گالستون در نهایت، به این جمع‌بندی می‌رسد که دیدگاه فارابی دیدگاهی جامع درباره سعادت است که در آن، هم فعالیت نظری و هم فعالیت سیاسی برای دستیابی به سعادت ضروری است. البته سیاستی که از سوی فیلسوف و حکیم اعمال می‌شود، به معنای وسیع فهمیده می‌شود؛ بدین معنا که هم شامل حکومت سیاسی است و هم شامل هدایت پیروانی که در زمان و مکان متفاوت زندگی می‌کنند.^(۳۲) بنابراین، «فارابی در نهایت، هر دو شق را رد کرده و فهمی از سعادت انسانی ارائه می‌کند که شامل هم فعالیت نظری و هم فعالیت عملی، به عنوان مؤلفه‌های اساسی سعادت

است.»^(۳۳) به نظر گالستون، فهم فارابی از ماهیت سعادت باید با توجه به فهم وی از معنای کمال نظری و کمال عملی به عنوان دو هدف اصلی انسان، نگریسته شود. فارابی تفسیر محدود از کمال نظری را که به معنای کسب صرف علوم نظری است رد می‌کند. وی، همان‌گونه که کمال نظری را بسط می‌دهد تا شامل حکمت عملی یا علم سیاسی شود، حکمت عملی را نیز بازتعریف می‌کند؛ بدین معنا که حکمت عملی صرفاً محدود به جست‌وجوی ممکن یا اختیاری سعادت و شقاوت نیست، بلکه به معنای عمل به فضایل و اجتناب از رذایل است. در اندیشه فارابی به این دلیل که کمال نظری، علاوه بر فهم امور طبیعی و مابعدالطبیعی، معطوف به فهم امور انسانی است، و نیز به این دلیل که معرفت به امور انسانی، کمال خود را در تحقق دولت مطلوب می‌یابد؛ بنابراین، هر دو کمال نظری و عملی باید غایت حقیقی انسان را تشکیل دهند.^(۳۴) بر این اساس، گالستون به دیدگاه محسن مهدی در خصوص پیوند حکمت نظری و حکمت عملی در فلسفه سیاسی فارابی تمسک می‌کند و نتیجه می‌گیرد که چون مهدی نیمه نخست سیاست مدینه را مقدمه و درآمدی برای تبیین زندگی سیاسی و طبقه‌بندی مدینه‌های سیاسی معرفی می‌کند، به نوعی به فرعیات حکمت نظری نسبت به حکمت عملی متمایل است.^(۳۵)

ماهیت فضیلت حاکم

همانند مشکل ماهیت سعادت، مشکلی درباره ماهیت «فضیلت» حاکم نیز وجود دارد. آیا حاکم نیازمند فلسفه یا دانش نظری است یا صرفاً دانش عملی کافی است؟ روشن است که در فلسفه سیاسی فارابی، مدینه فاضله زمانی تحقق پیدا می‌کند که از سوی فیلسوف و حکیم حکومت شود. با این حال، در نظر گالستون عباراتی در

نوشته‌های فارابی وجود دارد که حکومت و حاکم به فهمی غیرفلسفی و متخذ از تجربه عملی نیازمند است. بنابراین، حاکم مدینه فاضله باید بتواند بر اساس دانش متخذ از تجربه عملی و بدون نیاز به حکمت نظری، حکومت کند. اما گالستون خود به این مسئله پاسخ می‌دهد که این دیدگاه فارابی را باید با دیگر آموزه‌های وی فهمید. به نظر وی، یکی از آن آموزه‌ها آن است که حاکم مدینه فاضله باید غایت زندگی بشری را بداند و بی‌تردید، غایت زندگی بشری از فلسفه و حکمت نظری آموخته می‌شود. گالستون ادعای حل این مشکل را ندارد، اما سعی می‌کند برخی تفاسیر مختلف در این زمینه را ارائه کند؛ برای نمونه: حاکم باید باور درست درباره طبیعت بشر ترسیم کند؛ حاکم می‌تواند باور درست را از کسی کسب کند که در گذشته معرفت فلسفی داشت؛ حاکم ماهیت سعادت را باید به صورت استقرایی کشف کند؛ حاکمی که دانش فلسفی و عملی را تلفیق می‌کند، باید دانش خود را به صورت قانون تدوین کند تا جانشینان وی بتوانند حکومت فاضله داشته باشند؛ همچنین مدینه‌های فاضله متعددی با اهداف متفاوت وجود دارند که هریک دارای حاکم شایسته خود هستند.^(۳۶) گالستون در نهایت با طرح تفاسیر مذکور، این مسئله را بدون بررسی و پاسخ روشن رها می‌کند.

ماهیت مدینه فاضله

سومین مسئله، بررسی ماهیت «مدینه فاضله» است. چگونه مدینه فاضله شهروندان خود را سعادت‌مند می‌سازد؟ گالستون استدلال می‌کند که در فلسفه سیاسی فارابی اگرچه زندگی در درون جامعه بشری ضروری است، اما برای دستیابی به سعادت فقط زندگی در مدینه فاضله ضروری نیست. به نظر وی، در حالی که افلاطون

تفسیر آثار سیاسی فارابی

گالستون در فهم و تفسیر نسبت میان آثار سیاسی فارابی به این نتیجه می‌رسد که فارابی در تألیف آثار موازی، یعنی سه کتاب *مدینه فاضله*، *سیاست مدینه* و *تحصیل السعاده*، طرحی اصلی و هدفی مشخص داشت. به عبارت دیگر، آثار مذکور بدنه منسجمی از بخش‌های مفردی را تشکیل می‌دهند که خواننده باید به درستی آنها را سامان‌دهی کند تا تصویر کامل فارابی را درک نماید.^(۳۸) گالستون تا حدی وجود آثار موازی را ناشی از علاقه فارابی به شرح معنا و نتایج فهم‌های متفاوت دانش سیاسی و زندگی سیاسی می‌داند که با هر اثری مجموعه متفاوتی از مفروضات نظری بررسی می‌شود. با چنین نگاهی، در نظر گالستون هیچ‌یک از آثار موازی را نمی‌توان به ظاهر معتبر دانست، هرچند ممکن است در نهایت و پس از بررسی معلوم شود که یکی از آنها اعتبار بیشتری نسبت به دیگر آثار دارد. بنابراین، نتیجه می‌گیرد که پس از بررسی دقیق، هیچ‌یک از آثار موازی، آن‌گونه که در ابتدا به نظر می‌رسند، از انسجام درونی برخوردار نیستند.^(۳۹)

اما آنچه مهم است، گالستون در نهایت برخلاف نگرش اولیه خود مبنی بر بن‌مایه‌های ارسطویی فلسفه

می توانست کتاب مذکور را به گونه‌ای نگارش کند که برای خوانندگانی که با فارابی آشنایی ندارند نیز مفید باشد. از این‌روی، آثار جاشوا پرنز^(۴۳) یکی دیگر از شاگردان محسن مهدی، برجستگی خاصی دارد؛ زیرا هرچند آثار پرنز نیز به صورت موردی به فلسفه سیاسی فارابی بر اساسی رسائل خاص می‌پردازد، اما وی تلاش می‌کند جایگاه آن را در یک منظومه نگاه ببیند.

نتیجه‌گیری

تفسیر میریام گالستون درباره فلسفه سیاسی فارابی در آغاز نوآورانه و در پایان ناموفق است. هرچند سیاست و فضیلت به دنبال تفسیری تخصصی از فلسفه سیاسی فارابی است و تا حد زیادی موفق شده بسیاری از سوءفهم‌های این فلسفه را خاتمه دهد و برخی از مسائل آن را حل کند، اما در نهایت، نتوانسته مدعای اصلی خود مبنی بر مبانی ارسطویی فلسفه سیاسی فارابی را اثبات نماید. توجه به این نکته ضروری است که تلاش در جهت افلاطونی یا ارسطویی دانستن مبانی فلسفه سیاسی فارابی، ناشی از رهیافت تاریخی است که نگرشی تک‌بعدی به فلسفه سیاسی اسلامی دارند. در حالی که در تبیین مبانی فلسفه سیاسی فارابی، نباید از تأثیرپذیری این فلسفه از آموزه‌های اسلامی و قرآنی غفلت ورزید.

از جمله ضعف‌های ساختاری کتاب گالستون، فقدان فصلی مقدماتی در باب فلسفه سیاسی اسلامی و جایگاه فلسفه سیاسی فارابی در آن است. ضعف دیگر کتاب گالستون، عدم برخورداری از نتیجه‌گیری است. هرچند هر فصل دارای نتیجه‌گیری است، که البته گاهی از حالت نتیجه‌گیری خارج شده و به مطالب درون‌متنی شباهت پیدا می‌کند، اما جمع‌بندی کل مباحث کتاب و نتیجه‌گیری از آن ضروری بود. این مسئله به ویژه در خصوص اثر

سیاسی فارابی، دو کتاب سیاست مدنی و مدینه فاضله فارابی را به عنوان آثاری می‌نگرد که بیشتر افلاطونی است؛ چراکه آثار مذکور نوعی از دانش سیاسی را ارائه می‌دهند که ریشه در مابعدالطبیعه (متافیزیک) دارد. در مقابل، فصول منتزعه دانش سیاسی مستقلی را ارائه می‌دهد که مبتنی بر تجربه است، و تحصیل السعاده نیز دانش سیاسی مبتنی بر روان‌شناسی فلسفی است.^(۴۰)

همان‌گونه که گالستون اذعان می‌کند، برای فهم بیشتر فلسفه سیاسی فارابی باید به دیگر آثار فارابی نیز توجه داشت و به طور ویژه دو مجموعه شروح فارابی بر قوانین افلاطون و متافیزیک ارسطو؛ به همراه خلاصه‌های فارابی از فلسفه افلاطون و ارسطو را مورد تحلیل قرار داد.^(۴۱) این مطلب که در آخرین بند کتاب گالستون مطرح شده، به نوعی تأثیرپذیری از اندیشه اشتراوس است. به نظر اشتراوس نیز آموزه‌های سیاسی اصیل فارابی را باید در شروح و خلاصه‌های فارابی بر آثار افلاطون و ارسطو جست‌وجو کرد.^(۴۲)

نکته پایانی در بررسی اثر گالستون، عدم تبیین جایگاه فلسفه سیاسی فارابی در فلسفه سیاسی اسلامی است. به عبارت دیگر، هنگامی که خواننده کتاب مذکور را می‌گشاید، مستقیماً وارد مباحث تخصصی درباره فلسفه سیاسی فارابی می‌شود، و هیچ‌گونه توضیحی در خصوص جایگاه فارابی در فلسفه سیاسی اسلامی ارائه نمی‌شود. این نقص از آنجا ناشی می‌شود که گالستون به نوعی مفروض می‌گیرد که خواننده با آثار و مطالب فارابی آشنایی دارد. بنابراین، وی تقریباً بدون مقدمه به تحلیل جزئی آثار و مباحث فارابی دست می‌زند. هرچند این مشکل شاید با توجه به پیچیدگی منابع فارابی، گاهی اجتناب‌ناپذیر باشد که در این صورت، با مطالعه دقیق می‌توان به فهم نسبی مطالب دست یافت؛ اما گالستون

پی‌نوشت‌ها

1. Miriam Galston (1946).
2. Muhsin Mahdi (1926-2007).
3. Cornell University.
4. Yale University.
5. Miriam Galston, *Politics and Excellence: The Political Philosophy of Alfarabi*, Princeton University Press, 1990.
6. Miriam Galston, "A Re-Examination of Al-Farabi's Neoplatonism", *Journal of the History of Philosophy*, v. 15, n. 1, Jan. 1977, p. 13-32.
7. Miriam Galston, "Realism and Idealism in Avicenna's Political Philosophy", *The Review of Politics*, v. 41, n. 4, Oct. 1979, p. 561-577.
8. <http://rezvani.blogfa.com/post-10.aspx>
9. <http://www.farabiaward.ir/fa/module/winner/116/>
- ۱۰- میریام گالستون، سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی، ترجمه حاتم قادری، تهران، بقیعه، ۱۳۸۶.
11. Ralph Lerner.
12. Allan Bloom.
13. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. ix.
14. Leo Strauss (1899-1973).
15. Esotericism.
- ۱۶- ابونصر فارابی، کتاب آراء اهل المدینه الفاضله، قدم له و علق علیه البیر نصری نادر، ط. السابعه، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۹۶م.
- ۱۷- ابونصر فارابی، السیاسه المدنیه، حقه و قدم له و علق علیه فوزی متری نجار، ط. الثانیه، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۹۳م.
- ۱۸- ابونصر فارابی، تحصیل السعاده، تحقیق و تقدیم و تعلیق جعفر آل یاسین، بیروت، دارالمناهل، ۱۹۹۲م.
- ۱۹- ابونصر فارابی، فصول منتزعه، حقه و قدم له و علق علیه فوزی متری نجار، ط. الثانیه، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۹۳م.
- ۲۰- ابونصر فارابی، التنبیه علی سبیل السعاده، تحقیق و تقدیم و تعلیق جعفر آل یاسین، بیروت، دارالمناهل، ۱۹۹۲م.
21. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. 10.
- میریام گالستون، سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی، ص ۳۶.
22. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. 53.
23. Ibid, p. 22.
24. Ibid, p. 55 & 95.
25. Ibid, p. 146.
26. Ibid, p. 180.
27. Ibid, p. 10.
- میریام گالستون، سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی، ص

گالستون ضرورت بیشتری داشت؛ چراکه خواننده همواره با نگاهی تخصصی به گزاره‌های ریزشده مواجه است که تنها در صورتی می‌توان آن را جمع کرد که جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مباحث ارائه می‌شد. بدین صورت کتاب گالستون، اثری ناتمام می‌ماند که خواننده را اقناع نخواهد کرد؛ چراکه خواننده منتظر دست کشیدن از انبوه استدلال‌های رقیب است تا به نتیجه‌ای دست یابد. همچنین در پاورقی کتاب مذکور مطالب بسیار ارزنده‌ای وجود دارد که جایگاه بسیاری از آنها در درون متن است. از این حیث، پاورقی‌های این کتاب به پاورقی‌های کتاب اروین روزنتال^(۴۴) شباهت دارد.

منابع

- رضوانی، محسن، لئو اشتراوس و فلسفه سیاسی اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.
- گالستون، میریام، سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی، ترجمه حاتم قادری، تهران، بقیه، ۱۳۸۶.
- Galston, Miriam, "A Re-Examination of Al-Farabi's Neoplatonism", *Journal of the History of Philosophy*, v. 15, Number 1, January 1977, p. 13-32.
- Galston, Miriam, "Realism and Idealism in Avicenna's Political Philosophy", *The Review of Politics*, v. 41, Number 4, October 1979, p. 561-577.
- Galston, Miriam, *Politics and Excellence: The Political Philosophy of Alfarabi*, Princeton University Press, 1990.
- Walbridge, John, *Review of Politics and Excellence: The Political Philosophy of Alfarabi* by Miriam Galston, *International Journal of Middle East Studies*, v. 24, n. 3, August 1992, p. 534-535.

28. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. 12-13; میریام گالستون، سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی، ص ۲۰-۲۱.
29. John Walbridge, *Review of Politics and Excellence: The Political Philosophy of Alfarabi* by Miriam Galston, *International Journal of Middle East Studies*, v. 24, n. 3, Aug. 1992, p. 534-535.
30. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. 56; میریام گالستون، سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی، ص ۱۱۵.
31. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. 56-92.
32. Ibid., p. 93; John Walbridge, *Review of Politics and Excellence*, p. 535.
33. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. 13.
34. Ibid, p. 94.
- میریام گالستون، سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی، ص ۱۷۲.
35. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. 181-182.
36. Ibid., pp. 95-145; John Walbridge, *Review of Politics and Excellence*, p. 535.
37. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. 175-179; John Walbridge, *Review of Politics and Excellence*.
38. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. 220; میریام گالستون، سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی، ص ۴۱۴.
39. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. 220-221; میریام گالستون، سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی، ص ۴۱۴-۴۱۶.
40. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. 180-221; John Walbridge, *Review of Politics and Excellence*, p. 536.
41. Miriam Galston, *Politics and Excellence*, p. 221; میریام گالستون، سیاست و فضیلت: فلسفه سیاسی فارابی، ص ۴۱۶.
- ۴۲- محسن رضوانی، لئو اشتراوس و فلسفه سیاسی اسلامی، ص ۱۴۴.
43. Joshua Parens (1961).
44. Erwin Isak Jakob Rosenthal (1904-1991).